



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The reflection of humanism in the novels of the moon is completed and Tarlan by Fariba Vafi

Z. Malekzadeh Dilamghani, N. Naseri Kohnehshari*, Sh. Hassanzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 26 August 2021

Reviewed: 28 September 2021

Revised: 09 October 2021

Accepted: 30 November 2021

KEYWORDS

Humanism, Story, Fariba Vafi,
The Full Moon, Tarlan

*Corresponding Author

✉ Nasernaseri43@gmail.com

☎ (+98 44) 36430001

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Among literary works, the story provides the best platform for criticizing the author. The novels "Tarlan" and "The Moon is Complete" draw society's attention to realities that are far removed from our view. These novels try to show human value and dignity and try to remind him of his lost human identity.

METHODOLOGY: This study aims to analyze these novels based on humanistic human-centered components. In this regard, with a descriptive-analytical method to study issues such as; Rationalism, loneliness, realism, unrestricted geography (or utopia), human relations, critique of tradition, and some other concepts.

FINDINGS: Given that humanism is a school with an emphasis on human superiority and the need for self-belief and belief in inner powers, and on the other hand, humanist ideas have always been a concern for artists and writers

CONCLUSION: The results of the research indicate that almost all humanistic components in both novels are seen as fundamental concerns of the author. Also, the author has been able to express these concerns and concepts in the form of interpersonal relationships of characters and Show staging and characterization.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.6566](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.6566)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بازتاب اومانیسیم در رمانهای ماه کامل میشود و ترلان از فریبا وفی

زیبا ملک زاده دیلمقانی، ناصر ناصری کهنه شهری*، شهریار حسن زاده
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: در بین آثار ادبی، داستان بهترین بستر را برای انتقاد نویسنده فراهم میکند. رمانهای «ترلان» و «ماه کامل میشود»، توجه جامعه را بسوی واقعیاتی که از نظر ما دور مانده‌اند، جلب میکنند. این رمانها سعی در نشان دادن ارزش و کرامت انسانی دارند و تلاش میکنند هویت از دست‌رفته بشر را به او یادآوری کنند.

روش مطالعه: این پژوهش برآنست که رمانهای مذکور را براساس مؤلفه‌های انسان‌محور اومانستی تحلیل کند. در این راستا با شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی مباحثی همچون خردگرایی^۱، تنهایی^۲، واقعگرایی^۳، عدم محدودیت به جغرافیای خاص^۴ (یا مدینه فاضله)، روابط انسانی^۵، و انتقاد از سنت و برخی مفاهیم دیگر میپردازد.

یافته‌ها: با توجه به اینکه اومانیسیم مکتبی است با تکیه و تأکید بر برتری انسان و لزوم خودباوری و ایمان به قدرتهای درونی، و از طرفی اندیشه‌های اومانستی همیشه دغدغه‌ای برای هنرمندان و نویسندگان بوده است، تمامی مؤلفه‌های اومانستی در هر دو رمان مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاکی از آنست که تقریباً تمامی مؤلفه‌های اومانستی، در هر دو رمان بعنوان دغدغه‌های بنیادی نویسنده دیده میشود؛ همچنین نویسنده توانسته است این دغدغه‌ها و مفاهیم را در قالب روابط بین‌فردی شخصیتها و درضمن صحنه‌پردازی و شخصیت‌پردازی نشان دهد.

تاریخ دریافت: ۰۴ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۰۶ مهر ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۱۷ مهر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۹ آذر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

اومانیسیم، داستان، فریبا وفی، ماه کامل میشود، ترلان

* نویسنده مسئول:

Nasernaseri43@gmail.com

۰۰۱ ۳۶۴۳۰۰۰۱ (۴۴ ۹۸+)

¹ Rationalism

² Loneliness

³ Realism

⁴ No restrictions on specific geographies

⁵ Human relationships

مقدمه

اومانیسم نوعی تفکراست که در اعتراض به نگاه ابزاری به انسان، فارغ از توجه به نیازهای اجتماعی و انسانی او شکل گرفت. توجه اومانیسمها به کمال مطلقه و اصالت ناب انسانی معطوف بود. «اومانیسم یک معنی عام دارد و یک معنی خاص؛ اومانیسم به معنی عام، یعنی حالت روحی و شیوه فکری که اهمیت شخصیت فردی و شکوفایی کامل آن را مقدم بر همه چیز می‌شمارد و عمل موافق این حالت و شیوه فکر، و به عبارت دیگر اندیشیدن و عمل کردن با آگاهی به حیثیت انسانی و کوشیدن برای دستیابی به انسانیت اصیل» (چشم‌اندازهای اومانیستی در عرفان ایرانی، شریفیان: صص ۱۶۱-۱۹۸). این واژه در اصطلاح خاص خود نیز به مکتب یا جنبشی که در اعتراض به محدودیت‌هایی که کلیسا در قرن پانزدهم و دهه‌های پیش از آن بر ذهن و فرهنگ مردم تحمیل کرده بود، گفته میشود. «هدف این جنبش عبارت بود از شکوفا ساختن همه نیروهای روحی و درونی آدمی و پدید آوردن انسانی خودآگاه و رهایی علم و زندگی اخلاقی و دینی آدمیان از قیمومیت کلیسا» (آسیا در برابر غرب، شایگان: صص ۱۲۸). اوج شکوفایی این جنبش مربوط به دوران رنسانس بود. «اومانیست‌های دوران رنسانس گروهی نخبه بودند که از عوام فاصله گرفتند» (انواع اومانیسم، علوی تبار: صص ۱۵۵). حال اگر نویسندگان را از دسته نخبگان بدانیم، باید گفت انسان‌گرا بودن ساده‌ترین مفهومی است که وجه غالب ذهن نویسندگان معاصر را به خود معطوف داشته است. فریبا وفی یکی از همین نویسندگان است که در اغلب آثارش دغدغه مفاهیم انسانی و اجتماعی دارد. «او در آثارش از انسان‌هایی که در شرایط غیرانسانی و دشوار بسر می‌برند، مسئولانه و متعهدانه سخن می‌گوید. ... انتقاد از تحقیر انسان و پایمالی انسانیت در آثار این نویسنده دیده میشود. هر چیزی در رمانهای این نویسنده، با نگرش انسانی آنها ارتباط یافته و امور از منظر آن نگریسته و تحلیل میشود» (انسانگرایی در شعر شاملو، باقی‌نژاد: صص ۴۳ و ۴۹). مسائلی همچون فردگرایی، آزادی، انساندوستی، تعهد در روابط انسانی، ارزش و شأن انسانی، انتقاد از دیدگاه سنتی و جدال با جهل و خرافه و عدم محدودیت در جغرافیای خاص در آثار این نویسنده بوفور دیده میشود.

سابقه پژوهش

پژوهش‌های معدودی در زمینه تحلیل شعر و داستان و آثار ادبی از منظر و رویکرد اومانیستی انجام شده است که به برخی از آنها اشاره میشود: «انسانگرایی در شعر شاملو» (۱۳۸۷) از باقی‌نژاد؛ در این مقاله نویسنده با تحلیل برخی اشعار شاملو نشان میدهد که این شاعر در موارد متعددی شعر را مجالی برای نمایش رنجها و آلام انسانی قرار داده و تعهد شاعر را، که براساس اندیشه انسان‌محور است، در بالاترین شکل ممکن، آمیزه‌ای با اسطوره و حماسه‌های ایرانی میدانند. «روانی‌پور و اومانیسم» (۱۳۹۲) از قوچانیان و گودرزی؛ نویسندگان با تحلیل برخی آثار روانی‌پور و استخراج مستندات دریافته‌اند که روانی‌پور با هدف نشان دادن فقدان روابط درست بین انسانها، دست به خلق آثارش زده است. تنهایی «زن» در دوران معاصر و قرار نگرفتن او در جایگاه شایسته و نداشتن منزلت اجتماعی از جمله مفاهیم و دغدغه‌هایی است که نویسنده مقاله به آثار داستانی روانی‌پور نسبت داده است. «بررسی مؤلفه‌های اومانیستی در مجموعه شعر (ملکوت تکلم) از احمد عزیزی»؛ نویسندگان در این مقاله پس از بررسی اشعار احمد عزیزی، نتیجه حاصل از این پژوهش را بزرگداشت انسان، ستایش عقل و توجه شاعر به گذشته یا آرکائیسم دانسته‌اند؛ همچنین شباهتهای بسیاری بین مؤلفه‌های اومانیستی و ویژگیهای این مجموعه شعر دریافته‌اند. «بررسی اومانیسم در آثار منیرو روانی‌پور و محسن مخملباف» از قوچانیان؛ در این پایان‌نامه، که در دانشگاه

سبزوار بثبت رسیده، قوچانیان با بررسی آثار هر دو نویسنده مدعی است بدلیل قرار گرفتن روانی پور و مخملباف در دوران گذر از مدرنیته، گرایش آنها بسمت مفاهیم و مؤلفه‌های انسان‌محور در آثارشان نمود فراوانی دارد. با توجه به محدودیت پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه تحلیل‌های اومانستی آثار ادبی و همچنین فقدان پژوهشی مستقل در زمینه آثار داستانی فریبا وفی، این نوشتار درصدد خوانش اومانستی از دو رمان «ترلان» و «ماه کامل میشود» است؛ تا از این طریق گرایش‌های ذهنی و ادبی نویسنده‌ای معاصر را بعنوان مدل یا الگویی از آثار ادبی انسان‌محور ارائه دهد.

بحث و بررسی

اومانیسم

واژه اومانیسم از (Human) به معنی «انسان» گرفته شده است. معانی دیگری مانند انسان‌محوری، انسانگرایی، انسان‌باوری و حتی در مواردی اصالت بشر هم بعنوان معانی متعدد این واژه آمده است. در اصطلاح «نظریه‌ایست که بطور مشخص بر علایق، منافع و ایده‌های انسانی تأکید دارد و در جستجوی ارزش‌های اخلاقی و معنوی حیات از طریق فلسفه، علم و هنر و ادبیات است» (تطبیق جنبشها و مکتهای ادبی اروپایی با ادبیات فارسی، فلاحت‌خواه و عدل‌پرور: ص ۱۰).

انواع اومانیسم

اومانیسم ادبی: این بخش از اومانیسم، که مربوط به ادبیات و علوم انسانی است، به تحلیل و تعیین عناصر اومانیسم در آثار ادبی بویژه شعر و داستان میپردازد و از هنرمندان و نویسندگان انتظار دارد توجه بیشتری به انسان و رنج‌های بشری داشته باشند.

اومانیسم فلسفی: این گرایش از اومانیسم شامل مفاهیم و نگرش‌هایی است که راجع به ماهیت انسان و برقراری او با عالم واقع است. از این گرایش، دو نوع دیگر از اومانیسم منشعب میشود؛ اومانیسم مسیحی و اومانیسم جدید. در اومانیسم مسیحی تمامی ارزش‌های انسانی در چهارچوب تعالیم و معیارهای دین مسیحیت تعریف میشود و اومانیسم جدید نیز مجالی است برای گرایش‌های علمی و عقلی در کنار رحم و عطوفت انسانی. واقع‌بینی و واقعگرایی یکی از اصول اساسی این گرایش است.

اومانیسم دینی: این نوع اومانیسم را میتوان زیرمجموعه اومانیسم فلسفی دانست؛ چراکه در بسیاری موارد شباهت بسیاری با اومانیس‌های فلسفی- اخلاقی دارد. در این گرایش، که مورد توجه گروه متعددی از افراد توحیدگرا و کلگرای مسیحی است، تمرکز بر فرهنگ وابسته به اخلاق وجود دارد. در تعاریفی که از اومانیسم دینی آمده است، گفته شده «دین چیزی است که نیازهای فردی و اجتماعی انسانهایی را که از جهان‌بینی فلسفی برخوردارند، برآورده میسازد» (همان: ص ۱۴). انواع دیگری از اومانیسم وجود دارد که پرداختن به آنها با توجه به موضوع و گرایش مقاله حاضر ضروری نمینماید. علاقه‌مندان به این مبحث میتوانند با مراجعه به برخی کتب مرجع^۱ پاسخ سؤالات احتمالی خویش را دریابند.

۱. رجوع شود به کتاب «اومانیسم» از دیویس تونی (۱۳۷۸).

معرفی و خلاصه رمانها

رمان «ماه کامل ميشود»

این رمان در سال ۱۳۸۹ بچاپ رسيد و رمانی اجتماعی با شخصیت محوری دختری به نام بهاره است. در تمام طول داستان اطرافیان و دوستان بهاره سعی در ایجاد شور و هیجان در زندگی بهاره دارند. در نهایت یکی از دوستان بهاره، به نام فرزانه، او را ترغیب میکند که برای ایجاد تنوع در زندگیش، به ترکیه سفر کند و با مردی به نام بهنام آشنا شود. فرزانه سعی دارد بهاره را برای عاشق شدن و ایجاد رابطه و لذت بردن از زندگی آماده کند. نکته جالب این رمان این است که شروع داستان در واقع انتهای آن است و جایی است که بهاره از ترکیه و ملاقات با بهنام برگشته است. البته نویسنده سعی کرده مخاطب در همان ابتدای رمان، دلیل سفر بهاره به ترکیه را متوجه نشود و بنوعی سعی دارد سفر بهاره را سفر کاری نشان دهد. برای رسیدن به این هدف فریبا وفی تعلیق زیادی ایجاد کرده است.

رمان «ترلان»

رمان ترلان دومین اثر فریبا وفی است که حدود شانزده سال پیش نوشته شده است. او از جمله زنان نویسنده‌ای است که بر انعکاس نگاه زنانه در ادبیات معاصر فارسی مؤثر بوده است. این رمان در سال ۲۰۱۷ پس از ترجمه به زبان آلمانی جایزه لیتپروم «LITPROM» را از آن خود کرد. رمان ترلان درباره دو دختر به نامهای ترلان و رعنا است. این دو از دوران دبیرستان با هم دوست بوده‌اند و در نهایت تصمیم میگیرند پلیس یا به قول نویسنده، پاسبان، شوند. آنها به تهران می‌آیند و در یک آموزشگاه نظامی مشغول میشوند. محیط آموزشگاه کاملاً خشک و خشن و پر از قوانین نظامی است. وفی در این رمان معضلات زندگی دو دختر را، که میتواند نمونه‌ای از دخترانی باشد که بنا به دلایلی شغل نظامی را برای خود انتخاب کرده‌اند، بتصویر میکشد.

نشانه‌های اومانيسم در رمان «ماه کامل ميشود» و «ترلان»

خردگرایی: یکی از مفاهیم کاربردی و پرتکرار اومانيسم، خردگرایی، دانش‌اندوزی و استفاده از همه نیروهای عقلانی‌ای است که در سایه حق و حقیقت برای انسان کامل ضروری بنظر میرسد. «انسانگرایی در شرق با جهتگیری مذهبی و متافیزیک همراه بود. اصل عمده در اندیشه فلاسفه شرق این باور بود که عقلانیت یکی از اهداف خداوند در آفرینش انسان بود» (جامع‌الحکمتین، کوربن و معین: ص ۴۶۸). در غرب نیز خردگرایی بعنوان مفهومی جدایی-ناپذیر از مکتب انسان‌گرایی معرفی میشد. از آنجاکه در قرون وسطی فلاسفه غربی بدنبال بها دادن به نوع بشر بودند و از طرفی مجبور به شکستن برخی فرمها و سنتهای گذشته بودند، «ناچار بودند بنایی را که خراب میکنند، چیزی به جای آن بسازند که برای اهل علم و اندیشه قانعکننده باشد، وگرنه به پوچگرایی متهم میشدند. ازاینرو برای ایمان و وحی بعنوان معرفت انسان، دو جانشین یافتند که عقل و تجربه بود» (مقایسه‌ای تاریخی در تحول عقلگرایی و انسانگرایی در شرق و غرب، فرهنگ: صص ۱۴۶-۱۵۹). این ویژگی در همه آثار وفی دیده میشود. در رمان ترلان نمونه‌های زیادی وجود دارد؛ اسامی‌ای مانند «عاقله‌زن» مخاطب را برای طرحی خردمندانه آماده میسازد: «عاقله‌زن گفت: حسها برای کار تو لازم است اما میدانی آنها قابل اعتماد نیستند. حس، امروز هست و فردا نیست. زود ازبین میرود. عوض میشود. فریب میدهد. ناپایدار است. باید به چیزی محکمتر تکیه کرد» (ترلان، وفی: ص ۹۰).

ترلان، قهرمان اصلی داستان، در جواب ایرج که می‌خواهد برای مبارزه با ناعدالتی، کشور را ترک کند، خردمندانۀ پیشنهادی میدهد: «ترلان گفت که همینجا هم میتوانم مبارزه کنند. میتوانم به جای برداشتن اسلحه، آگاهی طبقاتی مردم را بالا ببرند و توی دلش گفت شاید هم با نوشتن بشود این کار را کرد» (همان: ص ۳۱).

خردگرایی ترلان، او را بعنوان فردی متفکر به مخاطب معرفی میکند. او در جای جای رمان تحلیلهای اندیشمندانه-ای از خود بروز میدهد که خواننده متن بر آگاهی و دانایی او واقف میشود: «ترلان نیاز به حرف زدن در مورد کتاب را از همان موقع شناخت. نیازی ساده است ولی بسختی برآورده میشود. نمیشود با کسی حرف زد که فقط علاقه‌مند است و با تأیید سرش را می‌جنباند. نمیشود فقط با تعریف کردن، کسی را در تجربه غیرقابل‌وصف آن سهیم کرد. هر کتاب جهانی است که باید هر دو به آن سفر کنند. آن را کشف کنند و با فهم اشاره‌ها و نشانه در لحظه‌های لذتبخش هم‌زمانی زندگی کنند» (همان: ص ۵۰).

زنان این داستان، که سهم زیادی در ایفای نقشهای اصلی و فرعی دارند، بجز بیوک خانم، همگی زنانی خردمند و بقول نویسنده عاقله‌مند هستند و از اوضاع جامعه جهانی باخبرند. همچنین ادبیاتی که با آن سخن می‌گویند، حاکی از علم و دانش و نگاه تیزبینانه آنان است: «رنا گفت: اپورتونیست. تو یک اپورتونیستی» (همان: ص ۳۱).

«گفت میروند الجزایر و با انقلابیها همراه میشوند. یا میروند کوبا و آمریکای لاتین و پارتیزان میشوند...» (همان: ص ۳۱).

«روزگار گورکی سپری شده است که درسهایش را از مردم بدبخت میگرفت و دانشکده‌های من را مینوشت...» (همان: ص ۱۳۶).

در رمان ماه کامل میشود نیز خردگرایی و گرایشهای اندیشمندانه شخصیتهای زن بوضوح نمایان است. از همان ابتدای رمان، بهاره تحلیل جالبی از «سفر» ارائه میدهد: «سفر ما را به جای تازه نمیبرد، جای قبلی را برایمان تازه میکند. بعد از سفر میفهمی خانه‌ای که در آن زندگی میکنی نور کافی ندارد. اشیاء خوب چیده نشده‌اند...» (ماه کامل میشود، وفی: ص ۱).

قهرمان داستان در موارد متعددی خردمندانۀ خود را تحلیل میکند: «من تحت تأثیر هیچکس نیستم؛ فقط خودم احساس میکنم گندیده‌ام» (همان: ص ۲۰). شخصیتهای دیگر نیز واکنشهای خردمندانۀ و زیرکانه‌ای از خود نشان میدهند: «شهرنوش از دور اشاره کرد صاف بنشینم و سرم را بگیرم بالا. عقیده داشت حتی اگر چیزی نداشته باشی رو کنی، باید وانمود کنی داری» (همان: ص ۳۶). شخصیتهای خردمحوری مثل شهرنوش، باعث آگاهی باقی شخصیتها میشوند: «تازه فهمیدم همسفر مهمتر از خود سفر است. شهرنوش چیزهایی میدید که چشم من نمیدید. گلها را میشناخت. اسم درختها را میدانست. به چمن که میرسید کفش و جورابش را درمی‌آورد و پابرهنه میرفت» (همان: ص ۲۴).

«شهرنوش اهل بحث نبود، کارش تعلیم دادن بود و از هر فرصتی برای این کار استفاده میکرد» (همان: ص ۲۶).

تنهایی: یکی دیگر از گرایشهای تفکر اومانستی، تنهایی است. در تفکر این گروه، انسان تنهایی را خود انتخاب میکند و در این انتخاب آزاد است. از منظر برخی نظریه‌های روانشناسی، رفتارهای خلوت‌خواهانه ممکن است مغایر با سلامت روان باشند، بگونه‌ای که در این نظریه تنهایی وضعی مشقتبار پنداشته میشود که باید مانع از آن شد یا آنکه برطرفش کرد... اما از نظرگاه‌های دیگر، تنهایی میتواند برای کارکردهای روانی نافع باشد، بگونه‌ای که نیاز مبرم به حریم شخصی و تجربیات مثبت خلوت‌گزینی از ویژگیهای مشترک افراد خودشکوفادر نظر گرفته میشود (مروری نظری بر مفهوم تنهایی از منظر رویکردهای روانشناختی، موسویان: ص ۱۹۵).

این ویژگی اومانستی در رمان ترلان بسیار پرتکرار است: «همیشه آرزو میکرد صاحب اتاق و کتابخانه بزرگی باشد. حالا میفهمید تنهایی را بدون احساس تنهایی دوست داشته است. احساسش با خودش فرق دارد» (ترلان، وفی: ص ۲۱).

«ترلان نمیتواند گوش بدهد. صدای دیگری از درون مانع میشود. از مأمور انتظامات اجازه میگیرد و به بهانه دستشویی بیرون میرود. خودش هم درست نمیداند چرا؟ از آن جمع بیرون می‌آید... با این امید است که دارد در بدر دنبال جای خلوت میگردد» (همان: ص ۱۳۱).

ترلان قهرمان داستان از هر فرصتی برای یافتن تنهایی بهره میجوید. حتی گاهی از اینکه فرصت تنهایی را نییابد، شکوه میکند: «در این دنیا یک جای خلوت نیست. حتی یک ذره جا. کسی چیزی ازش میپرسد و او فکر میکند خواست همه در دست است و خواست او دارد قائم‌موشک‌بازی میکند» (همان: ص ۱۳۱).

«روی تخت مینشیند. از دور صدای نامفهوم فرمانده می‌آید. صبر میکند تا سکوت ... و خودش همه صداها را دور میکند ... شروع میکند به نوشتن. قلبش شادمانه میتپد» (همان: ص ۱۳۱).

در رمان *ماه کامل* می‌شود نیز این گریز از جمع و پناه بردن به خلوت فردی فراوان است: «اگر غمی داشت، پناه میبرد به شعر و چای و سیگار. ساعتها راه میرفت و سوت میزد و موسیقی گوش میکرد» (ماه کامل میشود، وفی: ص ۵۱).

بهاره، راوی داستان، تعبیری از تنهایی دارد که تا انتهای داستان دستخوش تغییر نمیشود: «بین ناامیدی اول همه کارهاست. اول از همه چیز و همه کس میبری. بعد تک و تنها میشوی. ناامید، بدبخت، مفلوک. اینجا که میرسی، تازه آنوقت همه انرژی برمیگردد به خودت» (همان: ص ۵۱).

«تازه میفهمیم رؤیا از جایی می‌آید و واقعیت از جایی دیگر. رؤیا مال دیگران است و واقعیت مال خودمان، رؤیاها مشترکند اما موقع روبرو شدن با واقعیت تنهایی تنهایییم» (همان: ص ۶۷).

واقعگرایی: «بشر امروز درصدد است خود را از بحرانهای دست‌وپاگیر روزمره زندگی رهایی دهد و در محضر آموزگاران بنشیند که توانسته‌اند به ژرفای جهان و نماد و نهان انسان نگاهی از سر بصیرت داشته باشند» (پیامهای جهانی عطار برای مشکلات فکری انسان معاصر، قبادی و همکاران: ص ۸۹). بصیرت در تحلیل مقام فردی و انسانی درجه‌ایست بسوی حقیقت و واقعینی. از اینرو یکی دیگر از مفاهیم مورد توجه اندیشه‌های اومانستی، واقعینی و واقعگرایی است. در واقعگرایی یا رئالیسم «حقیقت عالیترین مقدسات است» (رئالیسم و ضدرئالیسم در ادبیات، پرهام: ص ۴۳). واقعگرایی اومانستی «با رصد حقیقت و گرایش به عینیت، زندگی را آنچنانکه واقعاً هست مینمایاند. در مقابل نوع دیگری از واقعگرایی جنبه معنوی دارد که به واقعیت از منظر اعتقادی و باورهای معنوی نگریده میشود. در این نوع نگرش همه واقعیتها با پرتو حقیقت برخاسته از معنویت هويت مییابند و مفهوم میپذیرند» (رئالیسم معنوی، ن صیری جامی: ص ۲۰۸).

فریبا وفی در همه آثارش بویژه ترلان و *ماه کامل* میشود، واقعیت‌پنداری و واقعیت‌نگاری را در قالب رفتار و کردار همه شخصیتها نشان میدهد. در رمان *ماه کامل* میشود، بهاره زندگی پدرش و گذشته‌های او را در آلبوم عکسی که خود میتواند نمادی از واقعیت‌نگاری باشد، نشان میدهد: «سربازی رفتنش مهمترین اتفاق زندگیش بود. هر بار که مهمان به خانه می‌آمد، آلبوم کهنه پاره‌پوره‌ای می‌آورد میگرفت جلو چشمش. یک گردان سرباز سرتراشیده شبیه هم را نشان میداد و از شوخیها و کمکه‌های آن دوره میگفت ... آلبوم دیگری هم داشت. مربوط به نیمه دوم

عمرش میشد و پر بود از عکس مردهای مشنگ لپ‌قرمز که از زور خوردن و نوشیدن ریخته بودند روی شانه‌های هم و دنیا عین خیالشان نبود» (ماه کامل میشود، وفی: ص ۲۳).

زندگی واقعی و جریانات طبیعی در تمام داستان پراکنده است. اتفاقاتی که هر فردی روزانه آنها را تجربه میکند: «از اتوبوس پیاده شدم. ساکم را گرفتم. از دایره راننده‌های سمج خودم را بیرون کشیدم و گوشه‌ای نشستم» (همان: ص ۶۵).

«بیرون یکی از کافه‌ها نشستیم. آفتاب رفته و نرفته بود ... صدای خواننده ترک از توی کافه می‌آمد. مردی پشت لاله‌های پارک روبرو خوابش برده بود ... من به استکانهای کمرباریک میز بغلی نگاه کردم ...» (همان: ص ۷۰).
در رمان ترلان نیز واقع‌بینی نویسنده در تمام متن مشهود است: «ترمینال شلوغ بود. بوی دود و تخمه و سیگار و ناآشنایی سرگیجه‌آور بود. گوشه‌ای ایستاد و ساکش را چسبیده به ساقش زمین گذاشت» (ترلان، وفی: ص ۱۴).
«اسم ساختمان مرکزی که می‌آید، همه سکوت میکنند. انگار از سلاخ‌خانه یا اردوگاه کار اجباری حرف میزنند» (همان: ص ۱۷).

«تقسیم غذا را اعلام میکنند و دخترها بطرف دیگهای بزرگ هجوم می‌برند. مسئول دیگ میگوید غذا برای همه هست، صف بایستید. چند نفر ملاقه‌های پر از لوبیا را بسرعت توی سینیها خالی میکنند» (همان: ص ۱۸).

عدم محدودیت به جغرافیای خاص: یکی از مفاهیم مهم اومانیسیم عدم تعلق به مکان و زمان خاص است. انسان‌گراها عقیده دارند انسان باید بدون درنظر گرفتن مرزهای جغرافیایی و فرهنگهای خاص آن، اصالت و نیک‌اندیشیش را بروز دهد. در این به اصطلاح مدینه فاضله، «تلاش برای ترکیب وجوه خداگونه، ماهیت انسان و تجلی انسانیت‌ترین بُعد وجود او صورت میپذیرد تا چیزی به فعلیت درآید که مزلو آن را وجود ذاتاً نیک انسانی تلقی میکند. به عقیده او در این محیط، انسان بطور کامل همان چیزی خواهد شد که واقعاً هست» (مکتبهای روانشناسی و نقد آن، شکرشکن و دیگران: ص ۴۷۲). در اغلب رمانهای فریبا وفی از شخصیت‌هایی سخن گفته میشود که از فرهنگها و شهرهای مختلفی از ایران برخاسته‌اند. وفی شخصیت‌هایش را در ماورای طبقات، ملیتها، فرهنگها و مذهبها و رنگها، بصورت واحد میبیند و هرگونه تبعیض و تفاوت و محدودیت جغرافیایی را نفی میکند. او در رمان ترلان اغلب تفاوتها را بچالش میکشد تا شخصیت‌هایش احساس راحتی بیشتری داشته باشند کنار هم قرار دادن دخترانی از شهرها و فرهنگهای متفاوت یکی از جنبه‌های اومانستی این رمان است: «عصرها همه میتوانند به سالنهای یکدیگر بروند. اهوازیها دور هم جمع میشوند و مشه‌دیها دور هم و ترکها دور هم، پوتینها زیر تختها جفت میشوند و دمپاییها بیرون آورده میشوند. لرها می‌آیند کنار تخت ترکها» (ترلان، وفی: ص ۸۱).

«آبادانی و اهوازی را به دفتر میخوانند» (همان: ص ۹۵).

«فیروزه با لهجه شمالی میگوید» (همان: ص ۴۳).

«دخترهای کرمانشاهی خودشان را به نشنیدن میزنند» (همان: ص ۴۳).

«راکی میگوید: مزایایش خیلی زیاد است» (همان: ص ۹۲).

در رمان ماه کامل میشود نیز این ویژگی بشکل دیگری خود را نشان میدهد. توصیه‌ای که فرزانه و شهرنوش به بهاره میکنند: «جای تو باشم قرارداد را ول میکنم و میروم ولگردی. خودم دفعه اولی که رفتم همین کار را کردم. خیلی کیف دارد. نه تو کسی را میشناسی و نه کسی تو را میشناسد. غریبه‌ای و برای غریبه همه چیز تازه است» (ماه کامل میشود، وفی: ص ۲).

وفی در این سفر به اصطلاح کاری، موقعیت آزادانه بهاره را در چند جای رمان تشریح میکند؛ موقعیتی که فراتر از مرزهای جغرافیایی ممکن است بسراغ هر آدمی بیاید: «دلیم میخواست میشد شیشه پنجره را بازکنم. هوا به صورتم بخورد بلکه بیدار شوم. خوابزده بودم. اگر به جای ترکیه به ایرلند رفته بودم یا مراکش فرق زیادی نمیکرد ... با خودم گفتم ببین اینجا جای دیگری است. سبزی علفها پررنگتر است» (همان: ص ۱۲).

بهاره بعنوان راوی داستان، حتی محدود شدن پدر و مادرش به فضای جغرافیایشان را بعنوان انتقادی بر رفتار آنها وارد میدانند: «به بهادر گفتم ما از زندگی چیزی نمیفهمیم ... باباننه مان چیزی یادمان ندادند. نه نصیحتی نه اندرزی نه فرهنگی. جایی هم که نرفتند چند تا چیز تازه یاد بگیرند» (همان: ص ۳۳).

در ادامه همین صفحه شهرنوش میگوید: «جغرافیا مهم نیست». و «دوست عزیز» یکی دیگر از شخصیتها، واکنش شدیدی نشان میدهد: «خانوم، زندگی در این خیابان با زندگی در آن یکی، از تو آدم متفاوتی میسازد. حساب کن اگر در پاریس به دنیا می‌آیدی یا سلفچگان اصلاً این آدمی بودی که الان هستی؟» (همان: ص ۳۳).

روابط انسانی اثربخش: «از نظر اومانیسیتها منبع ارزشهای اخلاقی، خود انسان و تجربیات اوست و نباید در امور مابعدالطبیعی بدنبال منبع ارزشها بود. معیارهای اخلاقی نه در ورای زندگی، بلکه در زندگی یافت میشوند. از اینرو اغلب اومانیسیتها معتقدند انسان قادر به کشف منابع زندگی خوب از نظر اخلاقی است» (نقد و بررسی اومانیسیم جدید، حسنی: ص ۱۳۲). روابط اثربخش انسانی با هموعان خویش، از مؤلفه‌های اساسی تفکر اومانیسیتی است. در این تفکر، نداشتن دوست و همدل و عدم رفع نیازهای اخلاقی و انسانی و همچنین فقدان فردی مهربان و غمخوار در زندگی هر شخص، از انتقاداتی است که بر روابط انسانی وارد میدانند. نمونه‌های زیادی در رمان *ماه کامل* میشود وجود دارد. بهاره در اوایل داستان فرزانه را اینگونه معرفی میکند: «از تواناییهایش بود که بر محیط اثر میگذاشت. در طرز کشیدن شال از گردن و گذاشتن کیف روی مبل و یکریز حرف زدن و رفتن و برگشتنش خاصیتی بود که حضورش را ضروری میساخت» (ماه کامل میشود، وفی: ص ۳۱).

روابط انسانی مثبت و هیجان برای زندگی اجتماعی از خصوصیات بارز شخصیت‌های داستانی رمان است: «چند روز که گذشت فرزانه آهنگ برگشتن زد. دلش برای سروصدای شهر، زنگ تلفن، کامپیوتر و دوست و آشناها تنگ شده بود. میگفت طبیعت بدون آدمها برایش معنی ندارد. وابسته به ارتباطاتش بود» (همان: ص ۲۷).

«به خودم مسلطتر بودم. حتی میتوانستم دست رد به سینه‌اش بزنم اما حس دلسوزی مانع میشد» (همان: ص ۴۳).

«چند سالی میشد که در دانشگاه تدریس میکرد. جدی بود و از اعتمادبنفس کم نداشت. دوست داشتم به حرفهایش گوش کنم. متوجه شدم او هم از حرف زدن من خوشش می‌آید. تشویقم کرد کار را ول کنم و درس را ادامه بدهم» (همان: ص ۴۴).

نمونه‌های این مؤلفه در رمان *ترلان* هم زیاد بچشم میخورد. «مهمتر از همه اینها مادر نباید نگران چیزی باشد. به خانه دست زده نمیشود. خانه با تمام چیزهایش مال مادر است. سر مادر را با دو دست گرفت و فرکش را بوسید و از اتاق بیرون رفت» (ترلان، وفی: ص ۲۷).

«ترلان لذت همصحبتی با او را از روز اول کشف کرد» (همان: ص ۳۵).

«رعا وفادار است. فراموشش میکنی ولی از دستش نمیدهی میدانی، اگر برود، یک روز برمیگردد و اگر تو بروی سالها بعد برگردی پیشش، در آغوشش میگیرد» (همان: ص ۳۶).

«او به رعنا یاد داد اگر نه با قلبش ولی با ذهنش مادرش را ببخشد و به او به چشم یک قربانی نگاه کند» (همان: ص ۴۲).

انتقاد از محدودیت‌های اجتماعی ناشی از سنت‌های گذشته: در تفکر اومانیستی، گذشتن از مرز سنت‌ها، فرایندی طبیعی و مثبت تلقی می‌شود. «مزلو معتقد است انسان‌های خودشکوفای، نسبت به همرنگی فرهنگ مقاومت دارند. به این معنی که این افراد صرفاً برای همرنگ شدن با جامعه، رفتاری را نمی‌پذیرند بلکه برعکس، آنچه را اجتماع به نادرست پذیرفته و پایبند آن است، آنان زیر پا می‌گذارند و ترسی از شماتت دیگران ندارند، زیرا به درستی کاری که انجام می‌دهند یقین دارند» (مکتب‌های روانشناسی و نقد آن، شکرشکن و دیگران: ص ۱۶۰).

فریبا وفی این مفهوم را آمیخته با دغدغه‌های اجتماعی خود در شخصیت پردازیها و گفتگوهای داستانی‌اش نشان می‌دهد. بهاره می‌گوید: «مادرم هم چیزی از زندگی نمی‌فهمید. پایش را از خانه بیرون نمی‌گذاشت. یک بار رفته بود سوریه. رفتن داریم تا رفتن. از سر خیابان سوار اتوبوس شد. ... در مکان دیگری که اسمش هتل بود پیاده شد» (ماه کامل می‌شود، وفی: ص ۲۲).

قشر روشنفکر، که معمولاً در رمان‌های وفی حضوری پررنگ دارند، معمولاً این مقوله را بچالش میکشند: «مهندس گفت: زندانی عقلمان هستیم. زندانی ترسمان. زندانی خیلی چیزها» (همان: ص ۲۷).

«مردم عادی دنیایشان همین است که میبینی. این که دیگر گفتن ندارد. خودت را تا سطح اینها پایین نیاور خانوم. این ابتذال است» (همان: ص ۳۹).

«وقتی برمیگردی چیزهایی جابجا شده، چیزهایی عوض شده. همان آدم قبلی نیستی. دیگران هم فرق کرده‌اند. بنابراین کل مسئله تغییر کرده. فرار حتی گاهی اخلاقیتر است» (همان: ص ۴۵).

«تو در یک سیستم بسته زندگی میکنی. همین است که مقایسه نمیکنی. من هم مقایسه میکنم» (همان: ص ۸۸). در رمان ترلان نیز این مفهوم، پرتکرار است. ترلان شخصیتی است که با اعمال و کنشهای منحصر بفردش در مقابل سنت و نابرابری جنسیتی می‌ایستد: «در خیال گاهی یار ستارخان میشد و با لباسهای مردانه در سنگر می‌جنگید و زمانی همراه ماکسیم گورکی در زیرزمینهای آلوده به فقر میگشت و در بهترین رؤیاهایش مانند مریدی بسراغ چخوف میرفت» (ترلان، وفی: ص ۴).

محیط زندگی، ترلان را فردی برخلاف جنسیتش نشان میداد. او برای آنکه نقش دیگری ایفا کند، تشویق میشد: «تا جایی که یادش می‌آمد همیشه بخاطر بی‌اعتناییش به زن بودن تشویق شده بود و حالا داشتن شغلی مردانه کسی را متعجب نکرده بود. موقعیت جدید او را بگونه‌ای، از دیگرانی که مایه عذابش بودند متفاوت میکرد. مدام با خودش میگفت از این به بعد من یک پاسبانم» (همان: ص ۵).

نویسنده گذر از سنت را غیرمستقیم به خواننده متن پیشنهاد میکند: «آنها درجه‌دار یا کارمند میشوند. موقعیتی دست و پا میکنند. قوی میشوند و به آدمهای ضعیفتر از خودشان دستور میدهند. پولدار میشوند. جهیزیه کاملی برای خودشان تهیه می‌بینند و بعد شوهر میکنند و بچه‌دار میشوند. این انتهای آینده آنهاست. ولی در آبادانی چیزی بی‌انتهای وجود دارد» (همان: ص ۵۰).

«مامان میگوید صلاح نیست رعنا بداند. میگوید نمیشود توی این مسائل نوبت را رعایت کرد... آقات بعداً رعنا را راضی میکند. میگوید قسمت است» (همان: ص ۱۰۲).

مفاهیم متنوع دیگری از مکتب و اندیشه اومانیستی در آثار فریبا وفی، بخصوص رمان ترلان و ماه کامل می‌شود، وجود دارد که بدلیل محدودیت در حجم مقاله، به برخی از آنها با ارجاع شماره صفحه اشاره می‌شود.

ماه کامل ميشود:

(کمالگرایی؛ ۱، ۱۱، ۲۱، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۲ و ...)

(فردگرایی؛ ۲، ۳، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ...)

(مدارا و تعهد؛ ۱۴، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ...)

(آزادی؛ ۱۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۵ و ...)

(قانونگرایی؛ ۴۵، ۶۹، ۷۷ و ...)

ترلان:

(کمالگرایی؛ ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۳، ۲۵، ۲۷، ۴۰، ۴۹ و ...)

(فردگرایی؛ ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۲۶، ۳۷، ۴۳، ۸۱ و ۸۴ و ...)

(مدارا و تعهد؛ ۳۳، ۳۶، ۴۲، ۶۰، ۷۱، ۸۰، ۸۲ و ...)

(آزادی؛ ۴، ۵، ۱۲، ۲۴، ۲۵، ۴۰، ۴۷، ۷۱، ۷۲، ۷۶ و ...)

(قانونگرایی؛ ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۴۱، ۹۰ و ...)

نتیجه گیری

وفی یکی از نویسندگان معاصر است که از ابتدای فعالیتهای ادبیش، دغدغه‌های انسانی- اجتماعی متعددی را در آثارش بتصویر کشیده است. شخصیت‌های محوری داستانهای او اغلب زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب‌های ذهنی و اجتماعی‌اند. بکار بردن مفاهیم و مؤلفه‌های اومانيسمی همراه با گرایشهای چارچوب‌مدارانه فمینیستی، آثار داستانی او را نسبت به سایر نویسندگان هم‌عصر متفاوتتر کرده است. مفاهیمی همچون خردگرایی، تنهایی، واقع-گرایی، عدم محدودیت به جغرافیایی خاص، توجه به روابط انسانی اثربخش، انتقاد از سنت، کمالگرایی، فردگرایی، مدارا و تعهد، آزادی و قانون‌گرایی در آثار این نویسنده مشهود است. آزادی، فردگرایی و روابط انسانی اثربخش نسبت به باقی مؤلفه‌ها از فراوانی بیشتری برخوردارند. وفی در شخصیت‌پردازی با استفاده از دیالوگ‌های منطبق با واقعیات و برگرفته از زندگی روزمره، بخوبی توانسته است با مخاطبان‌ش همذات‌پنداری کند تا بدین وسیله دریچه‌ای از آگاهی برابر خوانندگان‌ش بگشاید.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی استخراج شده است. آقای دکتر ناصر ناصری کهنه‌شهری راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زیبا ملک‌زاده دیلمقانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر شهریار حسن‌زاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله، حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند،

اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- BaghiNejad, A. (2008). Humanism in Shamloo Poetry, Urmia: Islamic Azad University Publications, p.43, 49.
- Davis, T. (1999). Humanism, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz, pp.170-171.
- Falahatkah, F and Adlparvar, L. (2019). Adaptation of European Literary Movements and Schools to Contemporary Literature, Tehran: Aylar, pp.10-14.
- Farhang, Ershad. (2004). Historical comparisons in the evolution of rationalism and humanism in East and West. *Iranian Journal of Sociology*, 1 (5), Spring 2004, pp. 146-159.
- Ghobadi, H and et al. (2011). Attar's Global Messages for the Intellectual Problems of Contemporary Man, *Journal of Educational Literature*, Fall 2011, 3 (11), pp. 87-110.
- Ghobadiani, N. (1962). Jame 'al-Hikmatin, edited by Henri Carbon and Mohammad Moein, Tehran: Cultural Center of Iran and France, p.468.
- Hassani, S. (2013). Critique of Modern Humanism, *Journal of Philosophical Knowledge*, 10 (3), Spring 2013, pp. 115-144.
- Mousavian, E. A. (2020). Theoretical Review of the Concept of Loneliness from the Perspective of Psychological Approaches, *Journal of the Rise of Psychology*, No. 9, pp. 195-204.
- Parham, C. (1966). Realism and Anti-Realism in Literature, Tehran: Nil, p.43.
- Sharifian, M. (2015). Humanist Perspectives in Iranian Mysticism, *Quarterly Journal of Mystical Literature and Mythology*, 11 (39), Summer 2015, pp. 161-198.
- Shaygan, D. (1977). Asia vs. West, Tehran: Amirkabir, p.128.
- Shekarshekan, H. and et al. (1998). Schools of Psychology and its Critique, Tehran: Samt, p.160, 272.
- Vafi, F. (2013). The moon is coming to an end, Tehran: Markaz Publishing.
- Vafi, F. (2017). Tarlan, Tehran: Markaz Publishing.

فهرست منابع فارسی

- آسیا در برابر غرب، شایگان، داریوش (۱۳۵۶). تهران: امیرکبیر.
- انسانگرایی در شعر شاملو، باقی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷). ارومیه: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- اومانیسیم، دیویس، تونی (۱۳۷۸). ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

بازتاب اومانيسم در رمانهای ماه کامل ميشود و ترلان از فریبا وفی ۱۹۹/

- پيامهای جهانی عطار برای مشکلات فکری انسان معاصر، قبادی، حسینعلی و همکاران، (۱۳۹۰) پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، (۱۱) ۳، صص ۸۷-۱۱۰.
- ترلان، وفی، فریبا (۱۳۹۶). تهران: نشر مرکز.
- تطبیق جنبشها و مکتبهای ادبی اروپا با ادبیات معاصر، فلاحتخواه، فرهاد و عدل پرور، لیلا (۱۳۹۸). تهران: آیلار.
- جامع الحکمتین، قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۴۱). تصحیح هانری کرین و محمد معین، تهران: مرکز فرهنگی ایران و فرانسه.
- چشم اندازهای اومانيسستی در عرفان ایرانی، شریفیان، مهدی (۱۳۹۴). فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، (۳۹) ۱۱، صص ۱۶۱-۱۹۸.
- رنالیسم و ضدرنالیسم در ادبیات، پرهام، سیروس (۱۳۴۵). تهران: نیل.
- ماه کامل ميشود، وفی، فریبا (۱۳۹۲). تهران: نشر مرکز.
- مروری نظری بر مفهوم تنهایی از منظر رویکردهای روانشناختی، موسویان، الهام (۱۳۹۹). مجله رویش روانشناسی، شماره ۹، صص ۱۹۵-۲۰۴.
- مقایسه‌ای تاریخی در تحول عقلگرایی و انسانگرایی در شرق و غرب، فرهنگ، ارشاد (۱۳۸۳). مجله جامعه‌شناسی ایران، (۱) ۵، صص ۱۴۶-۱۵۹.
- مکتبهای روانشناسی و نقد آن، شکرشکن، حسن و دیگران (۱۳۷۷). تهران: سمت.
- نقد و بررسی اومانيسم جدید، حسنی، سیدعلی (۱۳۹۲) مجله معرفت فلسفی، (۳) ۱۰، صص ۱۱۵-۱۴۴.

معرفی نویسندگان

زیبا ملک‌زاده دیلمقانی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(Email: zibamelikzadeh@gmail.com)

ناصر ناصری کهنه‌شهری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(نویسنده مسئول: (Email: Nasernaseri43@gmail.com)

شهریار حسن‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(Email: hasanzadeh@iaukhoy.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Ziba Malekzadeh Dilamghani: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

(Email: zibamelikzadeh@gmail.com)

Naser Naseri Kohnehshahri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

(Email: Nasernaseri43@gmail.com : Responsible author)

Shahriar Hassanzadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

(Email: hasanzadeh@iaukhoy.ac.ir)